چالش آزادسازی بزرگ‌ترین دارایی ملی و ضرورت جایگزینی فروش با ابزارهای اعتباری

پایان دوران انجماد سهام عدالت؟

فرزانه غلامی | فرصت یک‌هفته‌ای مجلس برای تعیین تکلیف نهایی سهام عدالت، پرونده بلاتکلیف ۴۹ میلیون سهام‌دار را به جریان انداخت. دولت و پارلمان تا هفت روز آینده فرصت دارند بر سر سازوکار آزادسازی به جمع‌بندی نهایی برسند.

علی نیکزاد، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی پس از نشست مشترک با وزیر اقتصاد، از تعیین مهلت یک‌هفته‌ای برای جمع‌بندی نهایی سازوکار آزادسازی این سهام خبر داده است. این اولتیماتوم در حالی صادر شده که میان سازمان بورس و نمایندگان مجلس بر سر نحوه بازگشایی نمادها اختلاف نظر جدی وجود دارد؛ اختلافی که بر محور «نقدشوندگی سریع» در برابر «صیانت از منافع ۴۹ میلیون سهام‌دار» می‌چرخد. حالا همه نگاه‌ها به این هفته دوخته شده است که آیا خروجی این توافق، راهکاری برای جلوگیری از تکرار تجربه تلخ سال ۹۹ خواهد بود یا خیر.

آیین‌نامه اجرایی افزایش ثروت خانوارهای ایرانی در قالب طرح ملی «سهام عدالت» سال ۱۳۸۵ تصویب شد؛ ساختاری وسیع که با هدف توانمندسازی دهک‌های کم‌درآمد، گسترش عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت ملی و ایجاد حس تعلق اجتماعی میان دهک‌های مختلف جامعه طراحی شد.

این کلان‌پروژه اقتصادی بیش از ۶۰ تا ۶۵ درصد از جمعیت کشور (افزون بر ۴۹ میلیون نفر) را زیر چتر سهام‌داری خود آورده، اما با گذشت نزدیک به دو دهه از آغاز طرح، گره کور مدیریت، نبود ثبات در رویه‌های اجرایی و منجمد شدن حق خرید و فروش مستقیم آن، این دارایی ملی را به یکی از چالش‌های مزمن و استخوان‌سوز اقتصاد کشور تبدیل کرده است.

هرچند در بهار سال ۱۳۹۹ و با صدور مجوزهای قانونی، گام نخست آزادسازی با امکان فروش ۳۰ و سپس ۶۰ درصدی دارایی‌ها برداشته شد، اما هجوم بی‌محابا و همزمان سهام‌داران برای فروش، نبود زیرساخت‌های فنی در کارگزاری‌ها و فقدان تقاضای مؤثر در بازار؛ شکل‌گیری صف‌های سنگین و ریزش ارزش سهام به زیر ارزش اسمی ۱۰۰ تومانی در هر سهم را به دنبال داشت.

این ریزش بهمن‌وار، شورای عالی بورس را ناچار کرد برای حفظ منافع کلی کل بازار، حکم به توقف معاملات بدهد؛ تصمیمی که واگذاری و نقدشوندگی سهام را برای سال‌ها به حالت تعلیق درآورد و رویکردها را به اجبار از معامله‌گری پویا به سمت نگهداری بلندمدت و اکتفا به سود سالانه سوق داد.

با روی کار آمدن دولت چهاردهم اما ورق برگشت. عزم پاستورنشینان برای شکستن این قفل چندساله جزم شده و برقراری امکان خرید و فروش سهام عدالت از حد حرف و شعارهای دولت‌های گذشته فراتر رفته و به یک اولویت جدی اجرایی تبدیل شده است.

سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی در روزهای اخیر از آغاز فرایند آزادسازی سهام عدالت پس از سال‌ها توقف، در تابستان امسال خبر داده است. به گفته سکان‌دار وزارت اقتصاد، فرایند آزادسازی سهام عدالت چند ماه گذشته در شورای عالی بورس به تصویب رسیده و حالا با توجه به آمادگی نسبی و تثبیت بازار سرمایه، اجرای این برنامه ساختاری در دستور کار قرار گرفته است.

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار هم با اشاره به برگزاری جلسات متعدد میان دستگاه‌های مرتبط، از عزم جدی برای تدوین دستورالعمل اجرایی سهام عدالت تا تابستان امسال خبر داده است. حجت‌اله صیدی تأکید دارد بازار سرمایه پس از پشت سر گذاشتن مراحل مختلف، اکنون به مرحله تثبیت و تعادل نسبی رسیده و در مسیر حرکت به سمت رونق قرار دارد و با همکاری کامل میان دستگاه‌های مختلف، بستر برای سرانجام مطلوب این پرونده مهیاست.

■بیم و امیدهای آزادسازی سهام عدالت در تالار شیشه‌ای

در نشست اخیر شورای عالی بورس، وقتی وزیر اقتصاد و رئیس شورا پیشنهاد بررسی امکان آزادسازی سهام عدالت را مطرح کردند، مخالفان این پیشنهاد تأکید کردند وضعیت فعلی بازار سرمایه، کشش‌پذیری و عمق لازم برای بار سنگین عرضه‌های جدید را ندارد. استدلال اصلی این گروه، عدم تطابق قیمت فعلی سهام با تورم فعلی بخش واقعی اقتصاد بود. آن‌ها هشدار دادند آزادسازی ناگهانی می‌تواند فشار فروش بی‌سابقه‌ای را به بورس تحمیل کند و ثبات شکننده فعلی را به مخاطره بیندازد.

موافقان بازگشایی مرحله‌ای معاملات هم بر این باور بودند که نباید کل فرایند را به بهانه ناآمادگی بازار قفل کرد. پیشنهاد مشخص این گروه، عرضه تدریجی و مرحله‌ای در سقف حدود ۵درصد در هر فصل برای مشمولان روش مستقیم بود تا برخلاف تجربه سال ۱۳۹۹، بازار فرصت کافی داشته باشد تا عرضه‌ها را به‌مرور و بدون شوک قیمتی جذب کند. در پایان، چالش توازن میان حقوق سهام‌داران روش مستقیم و غیرمستقیم موجب شد موضوع به مرحله تدوین مصوبه قطعی نرسد؛ چراکه از منظر فنی، آزادسازی واقعی زمانی رخ می‌دهد که هر دو گروه مشمولان بتوانند دارایی خود را به‌طور همزمان معامله کنند.

لازم به یادآوری است بزرگ‌ترین سنگ پیش پای لکوموتیو سهام عدالت، وضعیت مبهم ۲۶ شرکت سرمایه‌گذاری استانی پذیرفته شده در بورس تهران است. بر اساس مصوبه شورای عالی بورس، بازگشایی معاملات مستقیم و غیرمستقیم منوط به برگزاری مجامع این شرکت‌ها، به‌روزرسانی ساختار مدیریتی و رعایت کامل الزامات افشای اطلاعات است که به باور برخی کارشناسان، آماده‌سازی این صورت‌های مالی پیچیده، حتی در شرایط عادی هم به چندین ماه زمان نیاز دارد و اراده جدی برای آن در سال‌های گذشته وجود نداشته است.

از سویی دیگر به نوشته خبرگزاری تسنیم، ارزش دلاری کل بازار سهام در حال حاضر به محدوده یک‌پنجم سال ۱۳۹۹ و میانگین ارزش معاملات روزانه نیز به یک‌ششم دوره‌های اوج گذشته رسیده است و نسبت قیمت به درآمد (P/E) بازار فاصله محسوسی با میانگین‌های تاریخی دارد که نشان‌دهنده ظرفیت بالقوه بازار برای جذب نقدینگی جدید است. این گزارش مبتنی بر دیدگاه کارشناسان تأکید می‌کند میان شرکت‌های آماده بازگشایی و شرکت‌های دارای مشکلات ساختاری باید تفکیک قائل شد. شرکت‌هایی که مجامع خود را منظم برگزار کرده و الزامات قانونی را رعایت کرده‌اند، نباید قربانی استنکاف و تأخیر شرکت‌های دیگر شوند و ادامه این تعلیق فرسایشی، علاوه بر قفل شدن نقدشوندگی دارایی مردم، پیام منفی درباره کارایی سازوکارهای بازار سرمایه مخابره می‌کند؛ بازاری که فلسفه اصلی آن، امکان معامله و دسترسی آزادانه سرمایه‌گذار به دارایی خود است.

البته وزیر اقتصاد هم تصریح کرده در مواردی که مجامع این شرکت‌ها برگزار نشده باشد، از دادستانی درخواست شده مطابق قانون تجارت، ارکان شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی را مکلف به برگزاری مجمع کند و در صورت استنکاف، اقدام‌های قانونی لازم انجام خواهد شد تا مردم طعم شیرین این دارایی واقعی را در تابستان امسال تجربه کنند.

■جاماندگان؛ گرهی بر گره‌های سهام عدالت

سبد سهام عدالت، ویترینی از ارزنده‌ترین و بزرگ‌ترین شرکت‌های بورسی و فرابورسی ایران است که ۳۶ شرکت بورسی و ۱۳ شرکت غیربورسی در صنایع پیشران پتروشیمی، فلزی، معدنی، پالایشی و بانکی با نمادهای شاخصی همچون «فولاد»، «فملی»، «فارس»، «شتران»، «شپنا»، «شبندر»، «رمپنا»، «وبملت»، «وتجارت»، «کچاد» و «ککگل» را در بر می‌گیرد.

ارزش روز این سبد تحت تأثیر متغیرهای مختلف مانند قیمت روز شرکت‌ها، سودآوری بنگاه‌ها، نرخ دلار، تورم، قیمت جهانی نفت و محصولات پتروشیمی، تحریم، تلاطم‌ها و فراز و فرودهای سیاسی و امنیتی و... اکنون به ارقام چشمگیری رسیده است به طوری که ارزش روز سهام با ارزش اسمی ۵۳۲ هزار تومانی (که بیش از ۸۰ درصد سهام‌داران را تشکیل می‌دهد) حدود ۴۶ میلیون تومان، سهام ۴۹۰ هزار تومانی معادل ۴۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و سهام یک میلیون تومانی (متعلق به مشمولان خاص وزیر پوشش نهادهای حمایتی) افزون بر ۸۷ میلیون تومان برآورد می‌شود، اما این سبد ارزنده به دلیل بسته بودن نمادها، عملاً هیچ نقشی در تأمین مالی خرد خانوارها ایفا نمی‌کند.

حبس طولانی‌مدت این دارایی‌ها، انتقاد صریح مقامات ارشد پولی و اقتصادی کشور را هم در پی داشته است. عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی (و وزیر سابق اقتصاد)، در جلسه استیضاح خود در اسفند ماه ۱۴۰۳ گفت: «ما در حال ظلم به مردم هستیم. به ۴۹ میلیون نفر سهام عدالت داده‌ایم که نه اجازه استفاده از آن را دارند و نه اجازه خرید و فروش. در این فاصله ۱۵ ساله، ۲ میلیون نفر از سهام‌داران فوت کرده‌اند! معنی ندارد دارایی به فردی بدهید که نتواند از آن استفاده کند و سالی هم ۵۰۰ هزار تومان سود بدهید که به اندازه دو وعده غذا هم نمی‌شود».

علاوه بر قفل بودن نمادهای فعلی، دغدغه بزرگ دیگر، جاماندگان این طرح ملی هستند. بررسی‌های مجلس نشان می‌دهد نزدیک به ۲۰ میلیون نفر دیگر در صف متقاضیان قرار دارند که توافق قانونی برای ورود ۱۹ میلیون نفر از این جاماندگان به چرخه پرداخت وجود دارد. با وجود وعده نمایندگان مجلس مبنی بر تخصیص سهام به جاماندگان تا پایان سال، اختلاف نظر میان دولت و مجلس، نبود منابع مالی همگن، عدم شناسایی سهام قابل واگذاری جدید و بروکراسی فرساینده اصلاح قوانین در مراجع مربوط موجب شده ۱۹ میلیون جامانده سهام عدالت همچنان بلاتکلیف باشند.

■آزادسازی سهام عدالت در ترازوی نقد کارشناسان

کارشناسان اقتصادی معتقدند آزادسازی سهام عدالت در صورت اجرای صحیح، می‌تواند آثار مثبتی برای بازار سرمایه و اقتصاد داشته باشد. ورود این دارایی بزرگ به چرخه معاملات، عمق بازار را افزایش می‌دهد، شفافیت شرکت‌های بزرگ را تقویت و زمینه مشارکت بیشتر مردم در بازار سرمایه را فراهم می‌کند.

با این حال آن‌ها بر این باورند تجربه ناموفق سال ۱۳۹۹ نباید تکرار شود. در آن مقطع، نبود زیرساخت‌های اجرایی، ضعف هماهنگی میان بانک‌ها و کارگزاری‌ها، تأخیر در پرداخت وجوه و نبود شفافیت در فرایند فروش، نارضایتی گسترده‌ای میان سهام‌داران ایجاد کرد. به اعتقاد کارشناسان، سهام عدالت متشکل از دارایی‌های ارزشمند و سودآور است و فروش شتاب‌زده آن به‌ویژه در شرایط ناپایدار بازار، می‌تواند منافع بلندمدت سهام‌داران را کاهش دهد، ازاین‌رو آزادسازی باید بر پایه یک برنامه تدریجی، شفاف و مبتنی بر ظرفیت بازار انجام شود. از نگاه تحلیلگران در حالی که آزادسازی سهام عدالت پس از سال‌ها توقف به مرحله اجرا در ماه‌های آتی نزدیک شده است، موفقیت این تصمیم به فراهم شدن زیرساخت‌های حقوقی، فنی و اجرایی بستگی دارد.

کارشناسان بازار سرمایه برای موفقیت این فرایند سه پیش‌شرط را ضروری می‌دانند: عرضه مرحله‌ای و کنترل شده سهام به‌جای فروش گسترده و ناگهانی، تکمیل فرایندهای حقوقی و اصلاح ساختار شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی و توسعه ابزارهایی مانند اعطای تسهیلات یا کارت اعتباری مبتنی بر وثیقه سهام عدالت تا سهام‌داران بدون فروش دارایی خود بتوانند نیازهای مالی کوتاه‌مدت را تأمین کنند.

گزارش

آیا مردم دلارهایشان را به عنوان گواهی سپرده ارزی به بانک می‌سپارند؟

تأمین مالی تولید با ارزهای مردد

طوسی | بانک مرکزی به‌تازگی دستورالعمل صدور گواهی سپرده مدت‌دار ارزی را ابلاغ کرده است؛ اقدامی که هدف از آن استفاده از ارزهای راکد و اسکناس‌های موجود در دست مردم برای تأمین مالی طرح‌های تولیدی است. بر اساس این دستورالعمل، بنگاه‌های اقتصادی می‌توانند برای تأمین سرمایه ثابت یا سرمایه در گردش، ارز جذب کنند. این ارز نباید به ریال تبدیل شود و باید مستقیماً در طرح ارزی به‌کار رود. سقف ۵۰ میلیون یورویی و مدت چهارساله برای این گواهی‌ها تعریف شده و بانک عامل و ضامن نیز مسئولیت بازپرداخت اصل و سود را بر عهده دارند. اما آیا این ساختار می‌تواند انگیزه‌های لازم را برای دارندگان ارز ایجاد کند؟ در ادامه، تحلیل مجتبی باقری و مهدی بنی‌اسدی از زاویه‌های پنهان و آشکار این سیاست‌گذاری ارائه می‌شود.

■نرخ سود، نقدشوندگی و اعتماد؛ سه گره اصلی

مجتبی باقری، کارشناس اقتصادی با اشاره به حساسیت بالای تعیین نرخ سود در گواهی سپرده ارزی گفت: «سیاست‌گذار در این ابزار با یک تعادل دشوار مواجه است. از یک سو باید بازدهی آن قدر جذاب باشد که سرمایه‌گذار احساس کند پذیرش ریسک ارزش دارد و از سوی دیگر، نرخ سود نباید به اندازه‌ای بالا برود که بازپرداخت آن برای تولیدکننده غیرممکن شود».

وی افزود: «اگر سود این گواهی پایین باشد، عملاً انگیزه‌ای برای ورود ارزهای راکد ایجاد نمی‌شود، چون دارنده ارز ترجیح می‌دهد دارایی خود را به‌صورت نقد حفظ کند یا به بازارهای دیگر ببرد. در مقابل، اگر نرخ سود بالا تعیین شود، بنگاه اقتصادی در پایان دوره با تعهد سنگینی روبه‌رو می‌شود؛ زیرا باید هم اصل سرمایه و هم سود آن را به ارز بازپرداخت کند و این مسئله می‌تواند فشار بزرگی بر جریان نقدی شرکت وارد بیاورد».

باقری اظهار کرد: «در ذهن سرمایه‌گذار، موضوع فقط متن قرارداد نیست؛ بلکه این پرسش وجود دارد که آیا در شرایط سخت اقتصادی و سیاسی هم همان تعهدات اجرا خواهد شد یا نه. سرمایه‌گذار ایرانی به تجربه‌های گذشته نگاه می‌کند و تنها با دیدن نام بانک عامل یا ضامن قانع نمی‌شود، به همین دلیل، صرف تعیین یک بانک به‌عنوان ضامن کافی نیست. سرمایه‌گذار باید دقیقاً بداند چه چیزی تضمین شده، اصل و سود با چه ارزی پرداخت می‌شود، در صورت بروز بحران چه نهادی پاسخگو خواهد بود و آیا امکان تغییر شرایط قرارداد در میانه راه وجود دارد یا خیر. هر ابهامی در این زمینه، به‌معنای افزایش ریسک برای دارنده گواهی است.

این کارشناس اقتصادی افزود: «تجربه‌های قبلی در حوزه سپرده‌های ارزی و حتی برخی تجربه‌های سرمایه‌گذاری که با حمایت رسمی معرفی شدند، موجب شده مردم نسبت به تعهدات بلندمدت با احتیاط رفتار کنند. بنابراین اگر سیاست‌گذار می‌خواهد این ابزار با استقبال روبه‌رو شود، باید نشان دهد تعهدات ارزی در هر شرایطی بدون تغییر و دقیقاً مطابق قرارداد اجرا خواهد شد».

■این ابزار برای همه بنگاه‌ها مناسب نیست

باقری در بخش دیگری از اظهارات خود به وضعیت بنگاه‌های دریافت‌کننده منابع اشاره کرد و گفت: «گواهی سپرده ارزی برای همه شرکت‌ها ابزار مناسبی نیست. بنگاهی که درآمدش ریالی است و بدهی ارزی می‌گیرد، عملاً خود را در معرض ریسک بسیار بزرگی قرار می‌دهد. این ابزار بیشتر برای شرکت‌هایی معنا دارد که جریان درآمد ارزی واقعی، مستمر و قابل اتکا دارند. حتی درباره شرکت‌های صادراتی هم باید با دقت عمل کرد. اگر ارز بدهی با ارز درآمد یکسان نباشد، تغییر نسبت برابری ارزها می‌تواند هزینه بازپرداخت را به‌شدت افزایش دهد. برای مثال، ممکن است شرکت بر مبنای یورو بدهی بگیرد اما عمده درآمدش دلاری یا درهمی باشد؛ در این صورت، تغییرات بازار ارز می‌تواند تراز مالی شرکت را بر هم بزند». بدون نقدشوندگی واقعی، جذابیت گواهی کاهش می‌یابد

باقری همچنین با اشاره به اهمیت بازار ثانویه برای این گواهی اظهار کرد: «نقدشوندگی واقعی یکی از ارکان اصلی موفقیت این ابزار است. اگر بازار ثانویه فقط روی کاغذ وجود داشته باشد اما در عمل خریدار و بازارگردان مؤثری برای آن نباشد، سرمایه‌گذار برای خروج زودتر از موعد مجبور می‌شود تخفیف سنگینی بدهد».

وی افزود: «دارنده گواهی باید احساس کند اگر شرایطش تغییر کرد، راه معقولی برای خروج از سرمایه‌گذاری دارد. در غیر این صورت، بسیاری از صاحبان ارز ترجیح می‌دهند همان دارایی نقد و در دسترس خود را حفظ کنند، چون یکی از مهم‌ترین دلایل نگهداری ارز برای مردم، همین امکان دسترسی سریع و کنترل مستقیم بر دارایی است».

او گفت: «گواهی سپرده ارزی پیش از آنکه آزمونی برای توان بانک‌ها در جذب ارز باشد، آزمونی برای اعتماد عمومی به سیاست‌گذاری اقتصادی است. اگر اصل و سود دقیقاً مطابق قرارداد، به همان ارز و بدون تغییر قواعد بازپرداخت شود، می‌توان به توسعه این بازار امیدوار بود؛ در غیر این صورت، این ابزار هم ممکن است از نظر حقوقی قابل دفاع باشد اما در عمل نتواند منابع قابل توجهی جذب کند».

■باید فهمید مردم چرا اصلاً ارز نگه می‌دارند

مهدی بنی‌اسدی، کارشناس اقتصادی با نگاهی به فلسفه طراحی این ابزار گفت: «اصل ایده از نظر اقتصادی قابل دفاع است، چون بخشی از منابع ارزی که امروز عملاً در اقتصاد مولد نقشی ندارند، می‌توانند به سمت تولید هدایت شوند. این موضوع هم برای بنگاه‌هایی که نیاز ارزی دارند مفید است و هم می‌تواند بخشی از فشار تأمین مالی را از روی منابع ریالی بردارد».

وی ادامه داد: «اما صرف طراحی یک ابزار جدید به معنای موفقیت آن نیست. مردم زمانی ارز خود را وارد چنین سازوکاری می‌کنند که احساس کنند منافع، امنیت و نقدشوندگی دارایی‌شان حفظ می‌شود. اگر این اطمینان به وجود نیاید، حتی بهترین طراحی حقوقی هم لزوماً به جذب منابع منجر نخواهد شد».

بنی‌اسدی با تأکید بر ضرورت شناخت رفتار مردم در بازار ارز اظهار کرد: «بخش زیادی از تقاضای ارز در کشور، تقاضای مصرفی یا تجاری نیست. مردم ارز را فقط برای کسب سود بیشتر نمی‌خرند، بلکه برای حفظ قدرت خرید و داشتن یک دارایی در دسترس نگهداری می‌کنند. به همین دلیل، سیاست‌گذار نمی‌تواند فقط با معرفی یک گواهی بانکی انتظار داشته باشد این رفتار تغییر کند. باید روشن شود این گواهی نسبت به نگهداری مستقیم ارز چه مزیتی دارد و در مقابل پذیرش ریسک چند ساله، چه بازدهی به سرمایه‌گذار ارائه می‌دهد».

وی گفت: «نگهداری ارز برای بخشی از جامعه یک انتخاب سوداگرانه صرف نیست، بلکه واکنشی به محیط بی‌ثبات اقتصادی است. بنابراین هر ابزار جدیدی که قرار است این رفتار را تغییر دهد، باید بتواند هم بازدهی مناسبی بدهد و هم حس امنیت و کنترل دارایی را برای سرمایه‌گذار حفظ کند».

■ضمانت اجرایی، شرط ورود سرمایه‌گذار

بنی‌اسدی در ادامه با اشاره به اهمیت ساختار قراردادها و ضمانت‌ها تصریح کرد: «سرمایه‌گذار باید از روز اول بداند اگر بنگاه نتوانست تعهد خود را انجام دهد، بانک ضامن دقیقاً چه می‌کند. آیا بانک بدون شرط و در کوتاه‌ترین زمان اصل و سود را می‌پردازد یا بازپرداخت منوط به طی یک فرایند طولانی حقوقی خواهد بود؟ این مسئله برای سرمایه‌گذار کاملاً تعیین‌کننده است».

وی اظهار کرد: «هر ابهامی در قرارداد، خودش یک ریسک است و ریسک هم قیمت دارد. اگر قرارداد شفاف نباشد، سرمایه‌گذار یا بازده بیشتری مطالبه می‌کند یا اساساً وارد طرح نمی‌شود. در متن تعهدات باید به‌صراحت مشخص شود که اصل و سود گواهی به همان ارز مندرج در قرارداد پرداخت خواهد شد، نه معادل ریالی آن و نه با شرایطی که بعدها تغییر کند».

او افزود: «وجود بانک عامل و ضامن امتیاز مهمی است، اما این امتیاز زمانی اثرگذار می‌شود که سرمایه‌گذار بداند ضمانت دقیقاً شامل چه تعهداتی است، چگونه اجرا می‌شود و در صورت بروز اختلاف یا بحران، چه مرجعی مسئول پاسخ‌گویی خواهد بود».

بنی‌اسدی در بخش دیگری از اظهارات خود به ضرورت اعتبارسنجی دقیق بنگاه‌ها و طرح‌های متقاضی اشاره کرد و گفت: «اعتبارسنجی طرح‌ها نباید فقط بر اساس وضعیت فعلی انجام شود. باید سناریوهای بدبینانه هم بررسی شود؛ از کاهش صادرات و افزایش هزینه تولید گرفته تا اختلال در انتقال منابع، نوسان‌های ارزی و تغییر شرایط بازار. اگر این ملاحظات در نظر گرفته نشود، ممکن است طرح روی کاغذ مناسب به نظر برسد اما در عمل با مشکل جدی مواجه شود».

وی ادامه داد: «دقیقاً به همین دلیل است که نمی‌توان این ابزار را به‌صورت عمومی برای همه بنگاه‌ها توصیه کرد. انتخاب متقاضیان باید بسیار دقیق و مبتنی بر توان بازپرداخت واقعی باشد. بنگاهی که درآمد ارزی پایدار ندارد یا تحت فشار تعهدات دیگر قرار دارد، ممکن است در سررسید نتواند از عهده بازپرداخت برآید و این مسئله هم به سرمایه‌گذار آسیب می‌زند و هم اعتبار ابزار را تضعیف می‌کند».

■محدودیت‌های موجود در استفاده از منابع ارزی

او با اشاره به محدودیت‌های موجود در استفاده از منابع ارزی نیز گفت: «وقتی بخشی از ارزهای صادراتی به دلیل مقررات رفع تعهد ارزی نمی‌توانند وارد این سازوکار شوند، دامنه منابع قابل استفاده محدودتر می‌شود. به همین علت، لازم است برای هر طرح مشخص شود که منابع ارزی از چه محلی تأمین می‌شود و آیا این منابع در طول دوره، پایداری لازم را دارند یا خیر».

وی افزود: «در نهایت اینکه ارزهای مردم با دستور و تبلیغ وارد تولید نمی‌شوند. این منابع زمانی به حرکت درمی‌آیند که ثبات اقتصادی، شفافیت قراردادی و اعتماد به اجرای تعهدات، ریسک سرمایه‌گذاری را برای صاحبان آن قابل پذیرش کند. اگر این پیش‌شرط‌ها فراهم نشود، معرفی ابزار جدید به‌تنهایی نمی‌تواند رفتار صاحبان ارز را تغییر دهد».